

## حساب جُمَّل در ادب پارسی

محمدامین سلطان القرائی

### چکیده

این مقاله درباره حساب جمل در ادب فارسی است. در این مقاله سعی شده است به اجمال به قواعد ساختن ماده تاریخ و کاربرد این حساب در گذشته و حال و منشأ و خاستگاه آن پرداخته شود و شواهدی در این باره از شاعران و سخن سرایان ادب فارسی نقل گردد.

واژه‌های کلیدی: حساب ابجد، جمل، جمع و خرج، زیر و بیّنات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

طی ادوار گذشته شعرا و مورّخین، زمان وقوع حوادث و اتفاقات مهم را به طرق مختلف بیان نموده‌اند. گاهی این روشها با بیان عبارات موزون ادبی و مضامین و مفاهیم عمیق تلمیح شده است. یکی از مهم‌ترین این طرق استفاده از حساب جُمَّل یا حساب ابجد است.

عبارت «عدل مظفر» که بر سنگی مرمرین و بیضوی منقور بود و زمانی بر سر در مجلس شورا خودنمایی می‌کرد، هر چند که در ظاهر مبین عدل و معدلت مظفرالدین شاه قاجار می‌بود، لیکن همانا کتیبه مصوّبه مجاهدتهای عصر مشروطه و نصّ فرمان مشروطیت را با خود می‌کشید و در محاسبه تاریخ آن سال ۱۳۲۴ هـ. ق. را تداعی می‌نمود.

بی‌گمال حاج حسین آقا نخجوانی با تألیف کتاب «مواد التواریخ» مرجع و مأخذ ارزشمندی برای علاقه‌مندان این فن پدید آورده‌اند. حاج حسین آقا نخجوانی جمع زیادی از ماده‌های تاریخ را از ازمینه گذشته و عصر حاضر در کتاب «مواد التواریخ» گرد آورده است. خود آن را در چهارده سفینه منقسم نموده و تاریخ آغاز نگارش کتاب را عبارت (مواد التواریخ) به حساب ابجد ۱۲۹۹ شمسی قرار داده است. نظر به اینکه کتابت آن بیست و دو سال طول کشیده است، مرحوم علیرضا خان وقایعی متخلّص به رضائی از شعرای تبریز سال اتمام کتابت کتاب را عبارت (سفینه فی السقینه) یعنی سال ۱۳۲۱ شمسی نگاشته است.

فنّ حساب جُمَّل یا ابجد که جهت بیان تاریخ وقایع مهم در قالب کلمه، عبارت، جمله یا مصرعی از بیت شعری به کار گرفته می‌شود، علاوه بر آنکه فنّ حساب، محاسبه و ریاضیات است، نیز از ظرایف فنون شعریه می‌باشد و جزء صنایع مستترقه مانند موسیقی، خطاطی، نقاشی و امثال آنهاست. نحوه ساختن آن که با طبایع ادبی و بدایع شعری وابستگی تنگاتنگ دارد، چنین است که ابتدا ماده (جوهر) تاریخ را که بیانگر وقوع حادثه تاریخی است، می‌سازند و سپس شعری در قالب قطعه یا قصیده یا غزل بر آن پرداخته می‌گردد.

برای یادآوری و آگاهی خوانندگان این سطور از چند و چون برابرسازی الفاظ و عبارات با اعداد و تاریخها نخست صور هشتگانه حروف جُمَّل و سپس جدول ارزشی حروف ۲۸ گانه عربی را ذیلاً می‌آوریم:

ابجد، هوّز، حطّی، کلّمن، سعفص، قرشت، نخذ، ضنظغ

جدول ارزشی حروف ۲۸ گانه عربی:

حرف	معادل عددی	حرف	معادل عددی	حرف	معادل عددی
ا	۱	ی	۱۰	ق	۱۰۰
ب	۲	ک	۲۰	ر	۲۰۰
ج	۳	ل	۳۰	ش	۳۰۰
د	۴	م	۴۰	ت	۴۰۰
هـ	۵	ن	۵۰	ث	۵۰۰
و	۶	س	۶۰	خ	۶۰۰
ز	۷	ع	۷۰	ذ	۷۰۰
ح	۸	ف	۸۰	ض	۸۰۰
ط	۹	ص	۹۰	ظ	۹۰۰
				غ	۱۰۰۰

در مورد چهار حرف زبان فارسی که اضافه بر ۲۸ حرف عربی است لازم است

توضیح دهیم :

گِ هم ارز کِ «۲۰» و چِ هم ارز چِ «۳۰» و پِ هم ارز بِ «۲۰» و زِ هم ارز زِ (۷)

محاسبه خواهد شد.

برای مثال عبارت «عدل مظفر» را از طریق جدول یاد شده محاسبه می‌نماییم :

$$۷۰+۴+۳۰+۴۰+۹۰۰+۸۰+۲۰۰=۱۳۲۴$$

که مبین سال ۱۳۲۴ قمری، سال صدور فرمان مشروطیت است.

قدیمی‌ترین تاریخی که به حساب ابجد از شعرای فارسی زبان به نظر رسیده و با حروف مقطعه ابجد گفته شده از مسعود سعد سلمان است که در تفویض حکومت هندوستان به سیف الدوله محمود بن ابراهیم گفته شده است و مطلع و مقطع آن چنین است

چو روی چرخ شد از صبح چون صحیفه سیم

ز قصر شاه مرا مزده داد باد نسیم

که پادشاهی صاحبقران شود به جهان

چو سال هجرت بگذشت تی‌وسین‌وسه جیم

که محاسبه تاریخ آن چنین است:  $۳ \times ۳ + ۶۰ + ۴۰۰ = ۴۶۹$

ه ق ت س سه ج

قدیمی‌تر از نیمه دوم قرن پنجم هجری ماده تاریخی به حساب جمل یا حروف مقطعه ابجد از فارسی زبانان به نظر نرسیده است. حکیم انوری ایبوردی در تعریف و تاریخ عمارت مجدالدین ابوطالب از سادات موسوی بلخ قصیده‌ای گفته که متضمن ماده تاریخ است. سه بیت از آن چنین است:

ای نمودار سپهر لاجورد گشته ایمن چون سپهر از گرم و سرد

هم سپهر از رفعت سفت خجل هم بهشت از غیرت صحنه به درد

بوده در نرد و فرح نقشش به کام تا (فرح) تاریخ این نقشست و (نرد)

که (فرح نرد) ۵۴۲ هـ. ق تاریخ عمارت است

بسیاری از خوانندگان این سطور از مسجد امام (مسجد شاه عباس صفوی) در اصفهان بازدید کرده‌اند و اشعاری را که حاکی از چگونگی ساختمان مسجد است و بر در بزرگ ورودی آن نقش بسته ملاحظه نموده‌اند. مقطع این اشعار که نمایانگر تاریخ اتمام ساخت مسجد است، چنین است:

فکر تاریخ کرد واهب و گفت «شد در کعبه در صفاهان باز»

که مصرع دوم بیت در حساب جمل به ۱۰۴۶ هـ. ق دلالت می‌کند. محاسبه

آن ذیلاً آمده است:

هـ-ق ۱۰۴۶ = ۱۰ + ۷ + ۱ + ۲ + ۵ + ۱ + ۵ + ۱ + ۸ + ۹ + ۲ + ۴ + ۵ + ۲ + ۷ + ۲ + ۲۰ + ۴ + ۴ + ۳۰۰

حافظ حسین کربلایی تبریزی ماده تاریخ اتمام نگارش کتاب روضات الجنان و جنّات الجنان را «زیارات قبور اولیا» قرار داده که مطابق با سال ۹۷۵ هـ ق است و محاسبه آن چنین است :

$$۷+۱۰+۱+۲۰۰+۱+۴۰۰+۱۰۰+۲+۶+۲۰۰+۱+۶+۳۰+۱۰+۱-۹۷۵$$

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی در ماده تاریخ وفات شیخ بهاء‌الدین، قاضی عصر شاه شجاع چنین گوید:

بهاء الحق و الدین طاب منواه  
چو می‌رفت از جهان این بیت می‌خواند  
امام سنت و شیخ جماعت  
بر اهل فضل و ارباب براعت  
به طاعت قرب ایزد می‌توان یافت  
قدم در نه گرت هست استطاعت  
بدین دست‌سور تاریخ وفاتش  
برون آر از حروف (قرب طاعت)  
که تاریخ (قرب طاعت) معادل ۷۸۲ هـ ق است و به حساب حروف جمل  
بدین صورت می‌باشد :

$$۱۰۰+۲۰۰+۲+۹+۱+۷۰+۴۰۰=۷۸۲$$

حساب ابجد که در قالب شعر و جملات لطیف و ظریف و بر لطایف ادبی و صنایع شعری مشتمل است، یک ورزش فکری و ریاضت ادبی نیز است. از جمله عبارت (نورالله مرقده) ۶۷۲ هـ ق تاریخ وفات خواجه نصیرالدین طوسی (طاب ثراه) ۷۱۸ هـ ق تاریخ شهادت خواجه رشیدالدین وزیر سلطان ابوسعید بهادرخان و عبارت (الخیر فی ما وَقَع) ۱۱۴۸ هـ ق تاریخ جلوس نادرشاه افشار است. در تاریخ بنای مسجد صاحب الامر تبریز، که به حکم جعفرقلی خان دنبلی ساخته شده، مونس از شعرای آن عصر چنین گفته است :

جهان عزّ و شان جعفرقلی خان  
ز جودش حاتم طائی به ناله  
که حکمش را قضا گردیده منقاد  
زقهرش رستم دستان به فریاد  
در طاعت به روی خلق بگشاد  
از آن نیکو نهاد نیک بنیاد  
(زحکم خان شد این مسجد، آباد)  
رقم زد کلک مونس بهر تاریخ

در تاریخ بنای مقبره نادرشاه در مشهد مقدس که حسب الامر نادر ساخته و پرداخته شده، نشاء تبریزی این قطعه را به زبان ترکی گفته است :

شه شهان فلک رتبه نادر دوران کیم اولدی آمرینه تابع جهاندا هر کیم وار  
بو بقعه، صورت اتمامه چون قرین اولدی ندای هاتف غیب ایلدی منه اشعار  
بهشت دن بیر اثر دور بو، نشاء دنیا ده گرگ که یازیلما تاریخی (جنت آثار)  
۱۱۵۵ هـ. ق

برای ساختن ماده تاریخ قواعدی لازم است که باید مراعات شود. از جمله گوینده ماده تاریخ باید حروف مکتوب را به حساب آورد. مثلاً در کلمات اسحق و اسمعیل، الف مقصوره حساب نمی‌گردد و در کلمات الجته و الروضه و امثال آنها، اگر در حال وقف است مثل «دخل الجته» باید آخر الجته (هاء) حساب شود، و اگر اضافه شود مثل «جته الفردوس» باید آخر جته، (تاء) حساب شود. همچنین حروف مشدد را یکی حساب می‌کنند. غیر از لفظ جلاله که همیشه با دو لام محاسبه می‌شود. ماده تاریخ اغلب طوری گفته می‌شود که نام و نشان شخص یا کیفیت واقعه هر چه باشد از عبارت آن مفهوم گردد. مثلاً در تاریخ یکی از زلزله‌های تبریز که بسیار سخت بوده و خرابی زیادی به بار آورده این ماده تاریخ را گفته‌اند: (از زلزله شد خراب) ۱۱۹۴ هـ. ق که هم تاریخ زلزله و هم کیفیت واقعه بیان شده است. در اوایل استادان بزرگ، تاریخ را به عبارت فارسی، بدون اینکه به حساب جمله مربوط باشد، گفته‌اند و بیشتر فردوسی، سعدی، ابن یمین و سنایی بدین نحو تاریخ گفته‌اند و در اشعارشان تاریخی به حساب جمله دیده نشده است. بعضی از شعرا ماده تاریخ را به طور «معماً» گفته‌اند. مثلاً از گفته هلالی خراسانی در تاریخ وفات قاضی نظام از علمای زمان سلطان حسین بایقراء در سنه ۹۰۰ هـ. ق :

رفت قاضی نظام از عالم داشت شصت و سه سال آن سرور  
گر تو تاریخ فوت او خواهی نام را از نظام بیرون بر

اگر «نام» را از «نظام» بیرون کنیم، (ظ) می‌ماند که سال ۹۰۰ هـ. ق را حاکی است. بعضی دیگر از شعرا، جمله یا عبارتی را تاریخ گفته‌اند که لفظاً و معنأ هر دو تاریخ است. مثلاً شیخ فیضی در تاریخ وفات ملا غزالی مشهدی که از شعرای دربار

اکبرشاه بوده و اصلاً اهل خراسان، ولی ساکن هند بوده و در دربار مذکور به لقب  
ملک الشعرائی ملقب گردیده گفته است :

همه از طبع خداداد نوشت	قدوة نظم غزالی که سخن
نکته پی در پی استاد نوشت	خامه چون بر کف اندیشه نهاد
آسمان بر ورق باد نوشت	نامه زندگی او ناگاه
(سنه نهصد و هشتاد) نوشت	عقل تاریخ وفاتش به دو طرز

۹۸۰ هـ.ق.

مثال دیگر از این طریقه گفته اُلفتی ساوجی است که در تاریخ اتمام نگارش  
ریاض الصنایع در علم عروض تألیف خود، این قطعه را گفته است :

به امداد توفیق پروردگار	ریاض الصنایع چو اتمام یافت
رقم زد (چهل و هشت سال هزار)	طلب کردم از کلک، تاریخ آن

۱۰۴۸ هـ.ق.

عبارت (چهل و هشت سال هزار) به حساب جُمَّل نیز هزار و چهل و هشت  
می‌شود. به صورت زیر :

هـ.ق ۱۰۴۸ = ۲۰۰ + ۱ + ۷ + ۵ + ۳۰ + ۱ + ۶۰ + ۴۰۰ + ۳۰۰ + ۵ + ۶ + ۳۰ + ۳ =

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، عموماً در موارد یاد شده عمل ریاضی معمول،  
عمل جمع است. لیکن بعضی از شعرا به طرز دیگری ماده تاریخ گفته‌اند. بدین معنی  
که از یک جمله، عبارتی را موضع می‌کنند و لفظ دیگری از آن کم یا بر آن  
می‌افزایند و این طرز را جمع و خرج گویند. یعنی علاوه بر عمل جمع، عمل تفریق نیز  
به جای خود در آن دخیل خواهد بود. مثال از گفته میرزا زین‌العابدین خان تفرشی  
مستوفی که در تاریخ بنای باغی چنین گفته است :

بلبلی سر به درون کرد پی تاریخش      مژده آورد به بیرون که بگو (باغِ اِرم)  
(باغِ اِرم) ۱۲۴۴ به اضافه «ب» ۲ سر بلبل ۱۲۴۶ می‌شود. مژده را که ۵۶

است، بیرون می‌کنیم ۱۱۹۰ هـ.ق باقی می‌ماند که تاریخ بنای باغ است.

همچنین ملک الشعراء فتحعلی خان صبا در تاریخ فوت آقا محمدخان قاجار و جلوس فتحعلی شاه قصیده‌ای گفته که مصرع دوم بیت آخر آن به همان طرز جمع و خرج متضمن تاریخ است. چند بیت از مطلع و مقطع قصیده چنین است :

چرا غمگین نباشد دل، چرا خرّم نگردد جان

که هم از یاری اختر و هم از یاری یزدان

به حسرت سوی جنت شد ز تخت خسروی قیصر

به عشرت زیب مسند شد به قصر قیصری خاقان

غرض شاه کهن چون شد به سوی گلشن جنت

شد از شاه جوان عالم به سان روضه رضوان

رقم زد منشی طبع صبا از بهر تاریخش

ز «تخت» (آقا محمدخان) شد و بنشست (باباخان)

اگر از کلمه «تخت» ۱۴۰۰، (آقا محمدخان) را که ۸۴۵ است کم کنیم،

(باباخان) را که ۶۵۷ است، اضافه نماییم حاصل ۱۲۱۲ هـ ق می‌شود که تاریخ فوت

آقا محمدخان قاجار و تاریخ جلوس فتحعلی شاه قاجار (باباخان) است.

محقق فقید جعفر سلطان‌القرآنی ضمن مطالبی که در سوگ علامه علی اکبر

دهخدا نوشته و به زمان خویش در مجله یغما چاپ شده است، با اشارت به طرز

جمع و خرج مذکور، چنین گوید :

از «لغت»، «نامه» گر جدا خوانی علوم ارحمت رحلت خواجه دهخدا دانی

که به حساب ابجد چنین است: هـش ۱۳۳۴ = ۹۶ - ۱۴۳۰

نامه لغت

مصرع «برگی» از «درخت آسمان هنر» افتاد، از قطعه شعری از نگارنده، به

طریقه جمع و خرج یاد شده، حاوی ماده تاریخ به سال شمسی در وفات «استاد

برگی» هنرمند نقاش است و محاسبه آن چنین است :

هـش                      برگي                      درخت آسمان هنر

۱۳۸۰ - ۲۳۲۲ - ۱۶۱۲ - ۲۳۲۲ - (۱۲۰۴ + ۱۵۳ + ۲۵۵)



در محاسبه فوق مدّ کلمه «آسمان» هم ارز با «الف» بوده و ۱ محسوب شده است.

تک بیت زیر از نگارنده متضمّن مادّه تاریخ به سال قمری در وفات حجة الاسلام والمسلمین مرحوم آقا سید حمزه حسینی اسفهلانی است بدین صورت :

برسیدم از رفیقی، تاریخ فوت او گفت «درد، آه، رفت حسینی در چله‌ی حسینی»  
۱۴۲۳ هـ ق - ۲۰۸ در د + ۷ آه + ۶۸۰ رفت + ۱۳۸ حسینی + ۲۰۴ در + ۴۸ چله‌ی +  
۱۳۸ حسینی

که هم مبین روز وفات یعنی اربعین حسینی و هم از حساب جَمَل بیانگر سال ۱۴۲۳ هـ ق است.

هشتم مرداد ماه یادآور وفات استاد فقید مرتضی رسّام نخجوانی است. عبارت «آه» از «غم فراقی» در مادّه تاریخ رحلت ایشان به طریق جمع و خرج مذکور از جانب نگارنده ساخته شده است. قطعه‌ای منظوم نیز بر آن عبارت در وزن عروضی «مفعول فاعلات، مفعول فاعلات» به وسیله نگارنده پرداخته شده است. ابیاتی چند از آن ذیلاً آورده می‌شود:

رسّام نخجوانی، رفت از جهان فانی

در ماتمش بگرید، خصم و رفیق جانی  
نقشش چه بی‌بدیل است، افسوس رفت از دست

رسّام حاذق آمد، در باغ جاویدانی  
دل را سپرده‌ام من، بر آبرنگ استاد

با چشم دل نگه کن: معرفت و معانی  
برسیدم از وفاتش، طبع امین ندا زد:

«آه» از «غم فراقی»، شد فوت نخجوانی

هـ ق آه غم فراقی

تاریخ وفات استاد مرتضی رسّام نخجوانی: ۱۴۲۴ - ۷ - ۱۴۳۱

↑ از

در محاسبه فوق نیز مدّ کلمه «آه» همانند «الف»، ۱ محسوب شده است.

ماده تاریخ زیر نیز به طریقه جمع و خرج مزبور به وسیله نگارنده در وفات والده ماجده ساخته شده، سپس در سوگ او ابیاتی چند بر آن پردازش شده است :

وا حسرتا از جمع ما نور و صفای خانه رفت

دردا، دریغا، محنتا آن مادر از کاشانه رفت

دردم همی گردد فزون، از گردش این چرخ دون

چشم سرشک جوی خون، آن گوهر دردانه رفت

گشته شب و روزم تهی، گریم به سوگش من ولی

گویم به فریاد جلی، آن مونس یکدانه رفت

خالی شد آن پیمانها، خاک جهان شد بر سرم

آخر شکست آن ساغرم، از پیش من جانانه رفت

پرسیدم از طبع امین، در حالت بغض و غمین

ناگه ندا شد پرتین، آن «شادی» از «غمخانه» رفت

↓ ↓ ↓

تاریخ وفات به سال شمسی ۱۳۸۱ - ۳۱۵ - ۱۶۹۶

فن دیگر طریقه ژبرویینات است و آن از این قرار است که ژبر، نخستین حرف ملفوظ از نام کامل عربی هر حرف است و ما بقی آن را بینات خوانند. مثلاً: از حرف «الف» ژبرش برابر «ا» است که ارزش آن به حساب جُمَل «یک» است و بینه‌اش «لف» است که ارزش آن به حساب جُمَل «۱۱۰» است و از حرف «با» ژبرش «ب» با ارزش «۲» و بینه‌اش «ا» با ارزش یک است و به همین ترتیب از حرف «جیم» ژبرش «ج» با ارزش «۳» و بینه‌اش «یم» با ارزش «۵۰» است و الی آخر.

شیخ بهایی علیه الرحمه در اوّل کتاب جامع عباسی که آن را به نام «شاه عباس» تألیف نموده جمله‌ای گفته که از آن نام «شاه عباس» کشف و ظاهر می‌شود و عبارت آن این است که: اسم اشرفش «یعنی شاه عباس» از بینات (خلدالله ملکه) ظاهر و هویدا است. حروف عبارت «خلد الله ملکه» به ترتیب عبارتند از: خا، لام، دال، الف، لام، لام، ها، میم، لام، کاف و ها. که به ترتیب بینات آنها عبارتند از: ا-ام-ال-لف-ام-ام-ا-یم-ام-اف-ا. که ارزش آنها با حساب جُمَل خواهد

بود:  $۴۳۹ = ۱ + ۸۱ + ۴۱ + ۵۰ + ۱ + ۴۱ + ۴۱ + ۱۱۰ + ۳۱ + ۴۱ + ۱$  که مجموع شمارهٔ بیّنات یعنی ۴۳۹ برابر ارزش زُبر نام «شاه عباس» با حساب ابجد نیز است که آنهم ۴۳۹ است:  $۴۳۹ = ۶۰ + ۱ + ۲ + ۷۰ + ۵ + ۱ + ۳۰۰$

موضوع یاد شده را شیخ بهایی با ابیاتی چند بدین صورت بیان نموده است:

شاه عباس خسرو ایران	تاج بخش شهان و شاه جهان
حق نمود اندرین خجسته لقب	نکته‌ای بس عجیب و رمز عجب
که چو این نام بر زبان رانند	(خلد الله ملکه) خوانند
بیّنات و زُبر اگر دانی	یابی این نکته را به آسانی
تا ابد مُلک مُلک شاه من است	بیّنات و زُبر گواه من است

از استادانی که در فن حساب جَمَل مهارت زیاد داشته‌اند، یکی محمد صادق ناطق متخلص به اصفهانی است. که به نوشته مجمع الفصحاء در سنه ۱۲۳۵ هـ ق فوت کرده است. مادهٔ تاریخهایی که وی گفته اغلب قصاید و هر مصرع آنها مادهٔ تاریخ هستند و واقعاً سحر و اعجاز کرده است. از جمله قصاید او که هر مصرعش مادهٔ تاریخ است، یکی قصیده‌ای است که در تذهیب گنبد و مناره‌های بقعهٔ حضرت معصومه (س) در قم از طرف فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۱۸ هـ ق انجام گرفته، گفته است. این قصیده ۶۲ بیت دارد که یک صد و بیست و چهار مصرع می‌شود و هر مصرع آن تاریخ است، که یک صد و بیست و چهار تاریخ می‌شود. عجب‌تر آنکه این عبارات که در اول قصیده ثبت نموده نیز تاریخ ۱۲۱۸ هـ ق هستند:

(بسم الله الرحمن الرحيم باسم موجود کریم) ۱۲۱۸ هـ ق

(این قصیده مسما بقصیده معجزیه است) ۱۲۱۸ هـ ق

(شصت و دو بیت) ۱۲۱۸ هـ ق

(و یک صد و بیست و چهار مصرع) ۱۲۱۸ هـ ق

دو بیت از مطلع قصیده چنین است:

این قبه، گلبنی است بزبور بر آمده (۱۲۱۸ هـ ق)

یا پاک گوهری است پر از زیور آمده (۱۲۱۸ هـ ق)

این دوحه ایست کامده از جنت العلا (۱۲۱۸ هـ ق)

یا کوکبی است سعد و منور بر آمده (۱۲۱۸ هـ ق)

یکی دیگر از استادان این فن فتح الله مختلص به خرّم کردستانی است که قصیده‌ای در بنای مسجد جامع کردستان گفته که تمام مصرعهای اول ابیات آن ۱۲۲۷ هـ ق سال آغاز و کلیه مصرعهای دوم ابیات ۱۲۲۸ هـ ق سال اتمام بنای مسجد است. این قصیده بیش از سی بیت دارد که سه بیت از آن آورده می‌شود:

مَنّت ایزد را ز عدل والی ایام شد (۱۲۲۷ هـ ق)

این همایون سرزمین بس به ز فردوس برین (۱۲۲۸ هـ ق)

کرد از عون و عنایت‌های ربّانی بنا (۱۲۲۷ هـ ق)

مسجدی و مدرسی در این ملطف سرزمین (۱۲۲۸ هـ ق)

باد خرّم از عطای و لطف یزدانی مدام (۱۲۲۷ هـ ق)

بر علوّ همت و اعطاء والی، آفرین (۱۲۲۸ هـ ق)

از دیگر استادان فنّ حساب ابجد که مهارت زیاد داشت. میرزا اسماعیل خان تفرشی مختلص به «دبیر»، متوفی به سال ۱۳۲۲ هـ ق است. او در این علم کتابی جامع به نام (نخبه‌التواریخ) دارد، که از آغاز اسلام تا سلطنت مظفرالدین شاه قاجار به نظم و نثر ماده تاریخ گفته است. از جمله در قتل ناصرالدین شاه قاجار گفته است: (هفدهم روز ماه ذیقعد) که به حساب ابجد سال ۱۳۱۳ هـ ق می‌شود. البته بسیار خوب گفته؛ زیرا که در این تاریخ علاوه بر سال، ماه و روز را نیز معین نموده است. برخی از شعرای معاصر نیز بر این فن دست یازیده‌اند. به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم. آقای محمدحسن کاردان شیرازی در تاریخ ملی شدن نفت، این قطعه تاریخی را بیان نموده است :

دور استعمار و بدبختی، برفت	مَنّت ایزد را که مَلّی گشت نفت
لُرد پوشد جامهٔ زرینه بفت	تا به کی از مال قومی زنده پوش
تا به دندان بشکنی پولاد تفت	بود تا آن فید اسارت سخت تر
حل کند همت چنان اشکال زفت	هَمّت مردانه کوه از جا کند
حق خود را از کف غاصب گرفت	آه‌نین بازوی مَلّت، عاقبت

چونکه از حق خواستم، تاریخ آن بانگ غیبی گفت: «ملّی گشت نقت»  
(۱۳۳۰ هـ.ش)

در تاریخ بنای دانشسرای پسران تبریز، استاد جلال همائی، قصیده و مادّه تاریخی گفته که چند بیت از مطلع و مقطع آن آورده می‌شود:

مشک افشان و عبیر آمیز باد	ساحت مشکوی این دانشسرا
بر کنار این گلبن نو خیز باد	از سموم جهل و آفات خزان
از خطای جهل در پرهیز باد	دانش آموزانش را دامان پاک
دایم از دور فلک لبریز باد	ساغر دولت به کام عشرتش
زنده نامش تا به رستاخیز باد	زنده از دانشسرا، تبریز کرد
«زنده از دانشسرا تبریز باد»	از همائی خواستم تاریخ، گفت

۱۳۱۶ هـ.ش

در تاریخ اتمام بنای مدرسه شبستر، به نام «گلشن راز»، محمدعلی صفوت از ادبا و فضیای تبریز، این قطعه را گفته است:

دمیده گشت روح دانش اندر بیکر کشور	که تن را زندگی آری به نیروی روان گردد
جو مرآت جمال حق بود دانش، روا باشد	که بستایند در هر محفل، او ورد زبان گردد
بی تاریخ این کاخ تمدن، خامهٔ صفوت	بدینسان زد رقم کان یادگار هر زمان گردد
مدد از باطن شیخ شبستر شد، قلم بنوشت	«سرای دانش و فرهنگ الها جاودان گردد»

۱۳۱۷ هـ.ش

امروزه در محلهٔ قدیمی شتریان تبریز، شاعر گرانمایه‌ای زندگی می‌کند که در گفتن مادّه تاریخ اهتمام زیاد نموده و فن در محاق ماندهٔ حساب جُمَل را ترویج کرده است. او استاد علی نظمی است که در اول مهرماه ۱۳۰۶ شمسی در تبریز چشم به جهان هستی گشود. استاد نظمی مؤلف تذکره دویست سخنور است و همچنین دیوان شعری دارد که چندین بار چاپ شده است. اشعار نغز و موادّ تاریخ محکمی دارد. خود در این مورد می‌گوید:

تاریخ کسان ز طبع من باید جست	بس گفت از این دست و بسی خواهد گفت
تاریخ وفات دیگران من گفتم	تاریخ مرا تا چه کسی خواهد گفت؟

و از آن جمله است که در تاریخ وفات ملک الشعراء بهار گوید :

در ماتم یگانۀ شعر و ادب بهار  
همپایۀ «بهار» نژاید ز مادری  
نثر ادب به دولت او بود بر کمال  
فرزانه فاضلی که همه نظم و نثر وی  
نبود عجب که او به جهان جز جفا ندید  
سال وفات وی جو طلب کردم از خرد  
هر دم زمین و زمان است سوگوار  
گر سالها زمانه نشیند به انتظار  
نظم سخن به همت او بود استوار  
فهرست فر باشد و آمار افتخار  
با نخبگان جز این نبود رسم روزگار  
فریاد زد که «باغ ادب مانده بی بهار»  
۱۳۳۰ هـ ش

همچنین در تاریخ وفات «پژمان بختیاری» چنین گفته است:

«پژمان» سخن سنج سخندان، ناگه  
آن سوخته شاعری که در ماتم وی  
یک فرقه ز دوریش کند خاک به سر  
سالار سخنوران که در ملک ادب  
استاد و سخن‌شناس و مضمون پرداز  
«نظمی» به چنین بلند طبعی، باشد  
جستم چو ز روز و ماه و سال فوتش  
کرد از دنیا به جانب عقبی ره  
چرخ از سر خویشتن برافکند کله  
یک دسته ز ماتمش کند جامه سیه  
عمری دگران سپاه بودند، او شه  
فرزانه و راد و قابل و کار آگه  
از وصف کمال او، زبانم کوتاه  
گفتند که : «شنبه دوم آذر مه»  
۱۳۵۳ هـ ش

ملاحظه می‌کنید که عبارت (شنبه دوم آذر مه) استادانه گفته شده است، چه هم حاکی روز و ماه است و هم از حساب جمل بیانگر سال وفات حسین پژمان بختیاری است.

فن حساب ابجد مانند اکثر فنون و صنایع بدیعی و ادبی در پهنه تاریخ دچار تحول و فرود و فرازهایی شده است. اما به طور کلی با گذشت زمان این چشمه جوشان از رونق افتاده و ستاره افول آن در دور دورهای افق سوسو می‌زند. خصوصاً با ظهور فناوریهای نوین، بسیاری از فنون قدیم به وادی فراموشی سپرده شده‌اند، که صد البته تحولات عظیم و لحظه‌ای علوم و فنون و تأثیرات شگرف آن در زندگی جوامع بشری بر کسی پوشیده نیست. لکن فنون و دانسته‌های پیشینیان زیربنای

حساب جَمَل در ادب پارسی / ۶۳

فرهنگ و مدنیت یک ملت را می‌سازند و چه خوب است که ضمن احیاء، ترویج و شناساندن آنها به نسل جدید، در تجلّی و بهینه‌سازی و تلفیق آنها با علوم و فنون و نوآوریهای روز بکوشیم، که به قول شیخ اجل سعدی شیرازی :

کهن جامه خویش آراستن      به از جامه عاریت خواستن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع و مأخذ

- ۱- نخجوانی، حاج حسین. (۱۳۴۳). مواد التواریخ.
- ۲- تفرشی، میرزا اسماعیل خان. نسخه خطی، نخبه التواریخ.
- ۳- دواوین شعرای مختلف.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی